

موقعیت کنونی رشته زبان و ادبیات فارسی و راهکارهای تقویت آن

حسن ذوالفقاری*

Email: Zolfagari_hasan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۲/۷

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۰/۱۰

چکیده

این مقاله آسیب‌شناسی و توصیف وضعیت آموزش و پژوهش در رشته زبان و ادبیات فارسی است که ضمن بیان وضع موجود، وضع مطلوب و اولویت‌ها و راهبردها را نیز مشخص می‌کند. مقاله با این فرض نگاشته شده است که وضعیت فعلی رشته زبان و ادبیات فارسی، با توجه به نقش کلیدی و هویتی آن، مناسب نیست و چشم‌انداز علمی، اولویت‌ها، الزامات، راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای آن از سوی نهادهای مسئول طراحی نشده است. اطلاعات ارائه‌شده در این گزارش، بر اساس نظرخواهی خبرگزاری ایلنا از هشتاد شاعر، نویسنده و استاد و حاصل نظرسنجی از آنان درباره وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها، به‌انضمام تمامی منابع معرفی شده در پیشینه تحقیق و منابع پایانی است که مبنای تحلیل‌های این مقاله قرار گرفته است.

مقاله در دو بخش و هر بخش از دو زاویه آموزش و پژوهش این موضوع را بررسی می‌کند:

بخش اول: بررسی و تحلیل وضعیت فعلی (نقاط قوت و ضعف) رشته زبان و ادبیات فارسی در دو حوزه پژوهش و آموزش به‌همراه تبیین الزامات؛
بخش دوم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها راهبردی بر اساس نتایج بخش اول، شامل تبیین سیاست‌های توسعه‌ای رشته زبان و ادبیات فارسی و راهبردهای آن در حوزه آموزش و پژوهش.

عمده‌ترین راهکارها و سیاست‌های پیشنهادی تقویت رشته زبان و ادب فارسی عبارت‌اند از:

- رواج رشته زبان و ادبیات فارسی و گسترش حوزه قلمرو آن در داخل و خارج کشور؛
- توسعه کمی و کیفی رشته زبان و ادبیات فارسی؛
- کارآفرینی برای دانش‌آموختگان این رشته؛
- توانمند کردن استادان و دانشجویان؛
- تقویت برنامه‌های آموزشی و پژوهشی رشته زبان و ادبیات فارسی؛

کلیدواژه‌ها: رشته زبان و ادبیات فارسی، راهکارهای تقویت، آموزش، پژوهش.

۱. موضوع و اهمیت پژوهش

زبان رمز هویت ملی، محور فرهنگ، ابزار ارتباطات و حامل اندیشه‌های انسانی است. تضعیف یا تقویت زبان گاه باعث تضعیف نظام سیاسی و یا بالعکس، باعث قوت و اعتبار هویت ملی افراد می‌شود. غنای زبانی موجب غنای ادبی و بالعکس می‌گردد. ادبیات و زبان غنی و پرمایه فرهنگ‌ساز است و تفاوت فرهنگی ملتی را با ملت دیگر نشان می‌دهد (ذوالفقاری، ۱۳۸۷ الف: ۳).

گروهی (فالک، ۱۳۷۳؛ کوزر، ۱۳۷۷: ۳۳) زبان را مهم‌ترین عنصر هویت ملی می‌دانند؛ زیرا زبان پایه و مایه فرهنگ، تاریخ‌ساز، مهم‌ترین وسیله انتقال تجربیات، دانش و پیشرفت بشری و ظرف ذخیره‌سازی اندیشه نسل‌های پیشین و فرهنگ نیاکان است. از عمده‌ترین ویژگی‌های زبان، تأثیر آن بر ایجاد هم‌بستگی گروهی است. همچنین، زبان را یکی از مؤلفه‌های سازنده شخصیت ملت شمرده‌اند (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۲۴).

ادبیات عنصری کلامی است که برای بیان زیبا و متعالی و انعکاس احساس، عاطفه و اندیشه انسانی به کار می‌رود. ادبیات از یک سو با دنیای تخیل سروکار دارد و از سوی دیگر با دنیای واقعی ارتباطی معنادار پیدا می‌کند. یک سر در عالم هنر دارد و یک سر در دنیای زبان.

ماهیت ادبیات لذت‌بخشی و فایده انسانی است و هدف آن کاهش هیجانات روحی یا انگیزش آنها، اما هدف عالی‌تر و متعالی‌تر آن تجلی فرهنگ، هنر، تمدن و میراث فکری اقوام گذشته است. از این حیث، ادبیات بازتاب اندیشه، آرزوها و آرمان‌های یک قوم در مسیر تاریخ پرنشیب و فرازشان است. درون‌مایه ادبیات برانگیختن احساسات و عواطف انسانی است؛ از این رو، زبان ادبی با بیان غیرمستقیم و تأثیرگذار خود در آگاهی‌بخشی و بیداری وجدان‌های خفته و تأثیر بر روح و روان پیچیده انسان‌ها به جای هر چیز دیگر کارایی دارد (رک: سارتر، ۱۳۴۰).

ادبیات غنی و کهن سال فارسی، با چنین کارکردهایی، امروزه می‌تواند در تعالی انسانی و فرهنگی جامعه ایران در هر حال نقشی مؤثر داشته باشد. زبان فارسی نیز با غنای واژگانی و دیرینگی و پشتوانه‌های فکری و فرهنگی خود نقش وحدت‌بخشی میان اقوام ایرانی را بر عهده دارد. زبان فارسی با پیوند مستحکمی که با ادبیات دیرپای ما دارد توانسته است با آبخور فرهنگ غنی مردم ایران درآمیزد. امروزه حفظ هویت ملی (فردی و اجتماعی) در گرو حفظ زبان و ادب فارسی است. حفظ و توسعه این رشته نیز منوط به حفظ و توسعه رشته زبان و ادبیات فارسی است. مادام که رشته زبان

و ادبیات فارسی در سیاست‌گذاری جامع در حومه و حاشیه قرار گیرد و نقش حیاتی و ضروری آن لحاظ نشود، رشد و تولید علم دچار معضل رشد غیراندامور و ناموزون خواهد بود.

بنا بر آنچه گذشت، جایگاه و نقش رشته زبان و ادبیات فارسی در نقشه جامع بسیار مهم و حیاتی است؛ زیرا زبان و ادبیات فارسی:

- یکی از مؤلفه‌ها و ارکان هویت ملی ایران است؛
- عنصر مهم قدرت فرهنگی ایرانیان به شمار می‌رود؛
- عامل ترویج و تبیین فرهنگ اسلامی است؛
- عامل انسجام اقوام ایرانی است؛
- وسیله ترویج انقلاب اسلامی و زبان دوم جهان اسلام است.

۲. پیشینه تحقیق

درحوزه زبان و ادبیات فارسی تا کنون چندین هم‌اندیشی در سطح ملی و بین‌المللی برگزار شده که بخشی از مقالات آنها درباره موقعیت و مشکلات رشته زبان و ادبیات فارسی بوده است؛ ازجمله: چهار هم‌اندیشی دوسالانه ازسوی مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس، با همکاری انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی، شش فراهمایی (کنفرانس) دوسالانه دبیران زبان و ادبیات فارسی ازسوی وزارت آموزش و پرورش (۱۳۷۵ تا کنون)، پنج هم‌اندیشی استادان زبان و ادبیات فارسی، به همت شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی (۱۳۷۰ تا کنون)، چهار مجمع آموزش زبان فارسی در نیویورک ازسوی شورای گسترش زبان فارسی در امریکای شمالی (۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰)، هم‌اندیشی بررسی مشکلات آموزش زبان فارسی (شیراز، ۱۳۷۸)، هم‌اندیشی «بایدها و نبایدها در رشته زبان و ادبیات فارسی» (دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۶)، همایش ملی علوم انسانی (پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۸۵)، و هم‌اندیشی ایران فرهنگی (مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۷) برگزار شده است که مجموعه مقالات آنها نیز چاپ شده است (ر.ک: منابع).

جز این، چندین طرح پژوهشی نیز نزدیک به موضوع تحقیق انجام شده است (ر.ک: منابع) که این مقاله با استناد به همگی این پژوهش‌ها می‌کوشد تنها به آسیب‌شناسی، موقعیت کنونی، مشکلات و راهکارهای آموزش و پژوهش رشته زبان و ادبیات فارسی بپردازد.

۳. فرضیه‌های تحقیق

- وضعیت فعلی رشته زبان و ادبیات فارسی، با توجه به نقش کلیدی و هویتی آن، مناسب نیست؛
- چشم‌انداز علمی رشته زبان و ادبیات فارسی و اولویت‌های آن ازسوی نهادهای مسئول طراحی نشده است؛
- الزامات، راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای رشته زبان و ادبیات فارسی تبیین نشده است.

۴. روش تحقیق

روش تحقیق کتابخانه‌ای و نظرسنجی از استادان است. این نظرسنجی بر اساس گزارش خبرگزاری ایلنا (۱۳۸۶) از وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه، در مصاحبه با هشتاد استاد، دانشجو، شاعر و نویسنده تهیه شده و ماهیت مقاله توصیفی - تحلیلی و راهبردی است. اطلاعات ارائه شده در این گزارش بر اساس اطلاعات استادان و حاصل نظرسنجی از آنان است. داده‌ها از وبگاه‌های وزارتخانه‌ها و نهادهای مربوط استخراج شده است و بدیهی است این گزارش می‌تواند برای مستندسازی در قالب طرحی پژوهشی و در زمانی کافی به اجرا درآید. عدم دسترسی به اطلاعات و آمار و نبود بانک جامع اطلاعات علمی قابل دسترس از محدودیت‌های تهیه این گزارش بوده است. اصل این گزارش، به‌انضمام پیوست‌ها، بالغ بر سیصد صفحه است. این گزارش، به دلیل محدودیت حجم ارائه مقاله، تنها شامل آسیب‌شناسی و توصیف وضعیت آموزش و پژوهش رشته زبان و ادبیات فارسی است که ضمن بیان وضع موجود، وضع مطلوب و اولویت‌ها و راهبردها را نیز مشخص می‌کند. این گزارش چکیده و بخشی از طرح پژوهشی «نقشه جامع علمی کشور در حوزه زبان و ادبیات فارسی» است که مؤلف به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی در بهار ۱۳۸۷ انجام داده است.

۵. معرفی رشته

آموزش عالی در حوزه زبان و ادبیات فارسی در کشور به سال ۱۳۰۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که در دارالمعلمین مرکزی و دارالمعلمین عالی این رشته تدریس می‌شد. هم‌زمان با تأسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ آموزش زبان و ادبیات فارسی در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آغاز شد. اولین دانش‌آموخته این رشته در دوره دکتری، محمد معین است که به سال ۱۳۱۸ از پایان‌نامه خود با عنوان «مزدیسنا در ادب فارسی دفاع کرد».

اکنون برنامه آموزشی مصوب وزارت علوم و فناوری در سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی، در تمامی واحدهای دانشگاهی کشور اجرا می‌شود.

۶. موقعیت کنونی رشته زبان و ادبیات فارسی

۶-۱. بررسی و تحلیل وضعیت فعلی رشته زبان و ادبیات فارسی در حوزه آموزش

۶-۱-۱. آموزش و پرورش

در آموزش و پرورش به‌طور متوسط در ۱۲ پایه از مجموع ۳۶ ساعت آموزشی در هر هفته، ۸/۳ ساعت، معادل ۲۲ درصد (حدود یک‌پنجم) از ساعات آموزشی مدارس به آموزش زبان و ادبیات فارسی اختصاص یافته است. ۲۸ عنوان کتاب درسی زبان و ادبیات نیز ۱۲ درصد از کل کتاب‌ها را دربرمی‌گیرد. نسبت کتاب‌ها و ساعات درسی، پیش از انقلاب بیشتر از پس از انقلاب بوده است و در سال‌های پس از انقلاب به دلیل افزودن عناوین جدید به کتاب‌های درسی، از عناوین و ساعات درسی این رشته کاسته شده است. در فاصله سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۶ سه برنامه برای دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان و پیش‌دانشگاهی نگاشته شده که حاصل آن تغییر محتوایی و ساختاری کلیه کتاب‌های مقاطع تحصیلی بوده است. ویژگی عمده کتاب‌های حاضر عبارت است از: تدوین کتاب‌ها بر اساس برنامه درسی و به‌صورت بسته آموزشی شامل کتاب درسی، کار، راهنمای معلم و برنامه درسی؛ نوآوری، تنوع و جذابیت در انتخاب متون بر اساس نیازهای دنیای امروز؛ استفاده وسیع از آثار شاعران و نویسندگان فارسی‌زبان به دور از یک‌سونگری و تحجر؛ توجه ویژه به آموزش زبان فارسی بر اساس نظریه‌های جدید آموزش زبان؛ تکیه بر آموزش ادبیات معاصر؛ تکیه بر جنبه‌های کاربردی زبان و ادبیات فارسی؛ ایجاد نگرش نو، ماندگار و مثبت نسبت به مجموعه زبان و ادبیات غنی فارسی؛ ایجاد التذاذ ادبی در دانش‌آموزان و تلطیف احساسات و عواطف آنان.

هم‌اکنون حدود پنجاه‌هزار معلم با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی تدریس این درس را در کشور بر عهده دارند. اگر در حدود سیصدهزار معلم دوره ابتدایی را که بخشی از ساعت تدریس آنها صرف آموزش فارسی می‌شود، به این تعداد بیفزاییم، جمع افراد دخیل در آموزش زبان و ادب فارسی بالغ بر سیصد و پنجاه‌هزار نفر می‌شود (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۷).

به‌زعم کارشناسان، آسیب‌های برنامه‌های آموزشی، کتاب‌های درسی و معلمان در آموزش و پرورش عبارت‌اند از: عدم ارتباط آموزش عالی با آموزش و پرورش؛ تمرکز

بخش تألیف در وزارت آموزش و پرورش؛ تغییر سریع مدیریت‌ها و غلبه دیدگاه‌های شخصی مسئولان بر دیدگاه‌های کارشناسی برنامه‌ریزان؛ ناهماهنگی و گاه تناقص بین رسانه‌ها با محتوای آموزشی کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی؛ حذف تدریجی مراکز تربیت معلم و غیرحرفه‌ای و غیرمرتبط بودن معلمان زبان و ادبیات فارسی؛ گزینش نامناسب معلمان زبان و ادبیات فارسی و پایین بودن سطح علاقه و گرایش آنان؛ تخصصی و تفکیک نکردن رشته آموزش زبان و ادبیات فارسی از رشته زبان و ادبیات محض؛ استفاده از روش‌های تدریس سنتی، نداشتن خلاقیت لازم و عدم تسلط کافی به مهارت‌های زبانی و ادبی معلمان؛ کم‌توجهی نسل جوان و جدید به زبان و ادبیات فارسی؛ کنکور سراسری، تعدد عناوین کتاب‌ها و بی‌انگیزه بودن دانش‌آموزان (برگرفته از مجموعه مقالات پنج مجمع زبان و ادبیات فارسی).

با توجه به ضعف‌های یادشده، الزامات در حوزه آموزش به شرح ذیل است:

۱. نظام کنکور سراسری و پذیرش دانشجو در رشته زبان و ادبیات فارسی، به دلیل تفاوت ماهوی آن با دیگر رشته‌ها، مبتنی بر گزینش بر اساس ذوق ادبی، خلاقیت و توان آفرینش ادبی، مطالعات گسترده ادبی و علاقه‌مندی کامل به این رشته است. باید زمینه‌های مطلوب پذیرش دانشجو با جایگزینی‌های مناسب برای پذیرش دانشجو در تمامی مقاطع فراهم آید.
۲. به دلیل تفاوت‌های فرهنگی و غنای ادبی پاره‌فرهنگ‌های ایرانی، بهتر است برنامه‌های درسی به گونه‌ای طراحی و اجرا شوند که کتاب‌های فارسی با همکاری استان‌ها تألیف شود؛ در این صورت وظیفه برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کلان‌کشوری، هدایت و تربیت نویسندگان کتاب‌های آموزشی، مراقبت از برنامه، تدوین اهداف و ارائه راهکارها و ارزشیابی برنامه در مراحل مختلف و نظارت دقیق بر آن خواهد بود.
۳. یکی از وظایف مهم کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی، انطباق و همسویی هویت ملی و دینی در متون و کتاب‌های درسی این رشته است. این هدف مهم در کتاب‌های این رشته به بهترین شکل قابل اجراست.
- مؤلفان کتاب‌های درسی فارسی باید بتوانند در سطوح و مقاطع مختلف، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های هویت دینی و ملی را شناسایی کرده، به شکل‌های ممکن در انتخاب و گزینش و تألیف متون انعکاس دهند.
۴. مهم‌ترین عنصر، برنامه درسی معلم است. معلمان زبان و ادبیات فارسی که مروّجان فرهنگ، زبان و ادب فارسی هستند، باید ضمن اینکه توان علمی، مهارت‌های

عملی، کارایی، ذوق ادبی و خلاقیت لازم را داشته باشند و بتوانند با انتقال این مهارت‌ها و آموزش‌های درست نسلی کارآمد را به‌عنوان شهروند به جامعه ایران عرضه بدارند.

۵. در انتخاب متون ادبی و معرفی شخصیت‌های ادبی باید معیارهایی چون برجستگی‌های ذاتی علمی، هنری و ادبی در آثار و اندیشه‌های شاعران و نویسندگان؛ قابلیت‌های الگوسازی و اسوگی در شاعران و نویسندگان؛ مقبولیت نزد محققان، صاحب‌نظران و ادبا و شناخت عموم مردم از آنها؛ ثبات شخصیتی و سبکی آنان؛ شاخص بودن و نوآوری سبک و اندیشه آنان پیش رو قرار گیرد. در این صورت می‌توان امیدوار باشیم که از طریق معرفی چهره‌های ماندگار ادبی، ضمن هویت‌بخشی به نسل آینده، حس اعتماد به نفس و غرور ملی را در آنان ایجاد کرده‌ایم. اصلاح نگرش‌های منفی نسبت به شخصیت‌های ادبی و معرفی دقیق سجایای اخلاقی آنان، می‌تواند هویت ایرانی دانش‌آموزان را تقویت کند.

۶. برای دوزبانه کردن دانش‌آموزان مناطق مختلف در ایران، لازم است دوره‌های یک‌ساله آموزش پیش از دبستان برای این‌گونه دانش‌آموزان اجباری شود تا هنگام ورود به کلاس اول به اندازه کافی با زبان فارسی آشنایی پیدا کنند. در مراحل بالاتر لازم است دانش‌آموزان مناطق مختلف ضمن آشنایی با زبان، فرهنگ و ادبیات خود با فرهنگ ملی نیز آشنا شوند.

۷. با توجه به لزوم تدوین منابع، متون و فناوری‌های آموزشی برای معلمان، دانش‌آموزان و کارشناسان و با توجه به جنبه‌های مثبت آنها در روند آموزش، لازم است در چارچوب نهادهای سیاست‌گذاری تدوین برنامه‌های راهبردی و اقدامات بازدارنده، از رشد آثار کمک‌آموزشی کم‌ارزش و بی‌محتوا پیشگیری شود و با فرهنگ‌سازی، معلمان و دانش‌آموزان به سوی منابع حقیقی سوق داده شوند.

۸. از آنجاکه تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان ایرانی هم‌اکنون به دلیل مهاجرت خانواده‌های آنان در خارج از کشور به سر می‌برند (نسل‌های سوم ایرانیان مهاجر) و از زبان دوم به‌جای زبان فارسی استفاده می‌کنند، لازم است برای این‌گونه دانش‌آموزان ایرانی تمهیداتی چون توسعه کلاس‌های فارسی، تدوین کتاب، آموزش‌های مجازی، و تربیت معلمان زبان دوم اندیشیده شود.

۹. برای اعتلای رشته زبان و ادبیات فارسی، ارتقای سطح مهارت‌های زبانی و ادبی دانش‌آموزان، تکمیل آموخته‌های آنان، ایجاد نگرش و گرایش مثبت نسبت به ادبیات و علوم انسانی، ایجاد رقابت سالم در میان دانش‌آموزان، شناخت استعداد‌های درخشان

ادبی دانش‌آموزان نخبه ادبی و فراهم ساختن زمینه‌های ادامه تحصیل افراد مستعد در زبان و ادبیات فارسی و باروری فرهنگ و اندیشه جوانان ایرانی، برگزاری المپیادهای ادبی و مسابقات داخلی و خارجی ضروری می‌نماید.

۲-۱-۶. آموزش عالی (کارشناسی و تحصیلات تکمیلی)

اکنون برنامه آموزشی مصوب وزارت علوم و فناوری در سه دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری زبان و ادبیات فارسی در تمامی واحدهای دانشگاهی کشور اجرا می‌شود. گفتنی است که رشته ادبیات داستانی از سال ۱۳۸۱ در دانشگاه تربیت معلم راه‌اندازی شده است. تعداد دانشجویان رشته زبان و ادبیات فارسی در سه مقطع حدود یکصد و پنجاه هزار است.

با توجه به سرفصل‌های فعلی در رشته زبان و ادبیات فارسی در سه مقطع برای حدود دویست واحد درسی در سه دوره، یکصد متن تخصصی تدریس می‌شود که این متون از سه طریق تهیه و تألیف می‌شوند: الف) انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، تأسیس ۱۳۶۵)؛ ب) تألیف متون درسی از طریق ناشران غیردولتی که بخش عمده‌ای از منابع و متون درسی رشته زبان و ادبیات فارسی را ناشران خصوصی تهیه می‌کنند؛ ج) جزوات درسی استادان.

کارشناسان و استادان مهم‌ترین نقاط ضعف برنامه درسی رشته زبان و ادبیات فارسی را موارد ذیل می‌دانند:

تکراری بودن مباحث و واحدهای درسی تا مقطع دکتری؛ عدم استفاده از آثار جدید تألیفی و ترجمه‌ای در برنامه؛ کهنه بودن سرفصل‌ها و سیطره طیف سنتی بر برنامه‌های این رشته؛ انعکاس نیافتن تحولات کیفی ادبیات در دوران جدید در برنامه‌های درسی؛ نبود رشته یا درس‌هایی چون ادبیات معاصر، ادبیات عامه، کودک، ایران باستان و داستانی و موضوعات جدید چون رمان، داستان کوتاه، نمایشنامه، فیلم‌نامه؛ بی‌توجهی به زبان فارسی؛ (تنها ۱۵٪ واحدهای درسی رشته ادبیات به حوزه زبان بازمی‌گردد)؛ توجه به حواشی ادبیات تا خود ادبیات و خلاقیت‌های ادبی؛ نبود برنامه‌هایی برای انتقال تجربیات نویسندگان و شاعران معاصر به دانشجویان؛ به حاشیه رانده شدن دانشجویان ادبیات به دلیل ضعف برنامه درسی دانشگاهی؛ ناکارآمدی دانشجویان به دلیل عدم توجه به مقوله‌هایی چون ادبیات معاصر، ادبیات جهان، نقد ادبی و مباحث نو در آموزش زبان و ادبیات فارسی؛ عدم استفاده برنامه‌ریزان رشته زبان و ادبیات از

اختیارات قانونی برای تدوین دروس مورد نیاز به دلیل سنتی بودن دیدگاه‌ها و یا محافظه‌کاری؛ غیرمتخصص و بیکار بودن دانش‌آموختگان این رشته؛ کم بودن نسبت استاد به دانشجو در رشته زبان و ادبیات فارسی؛ رشد بی‌رویه این رشته بدون در نظر گرفتن تعداد و توان استادان و اعضای هیئت علمی؛ نبود تجهیزات نوین آموزشی و ناآشنایی استادان با آخرین فنون و منابع و مقالات علمی و دستاوردهای این رشته؛ عدم استفاده استادان از روش‌های فعال آموزشی و فناوری‌های نوین و ابزارهای آموزشی؛ عدم تشکیل کارگاه‌های آموزشی دانش‌افزایی و روش‌شناسی آموزش و تحقیق (ایلنا، ۱۳۸۶).

همچنین منابع درسی و گزیده‌ها مشکلاتی دارند، از قبیل اینکه منابع درسی منجر به ارائه تصویری جامع از آن درس نمی‌شوند؛ گزیده‌های درسی به جای پرداختن به تمامی لایه‌های یک متن (زبانی، ادبی، زیبایی‌شناختی) صرفاً به لایه زبانی و واژگانی و شرح و توضیح مفاهیم بسنده می‌کنند؛ گزیده‌ها از چهارچوب و برنامه‌ای مدون پیروی نمی‌کنند؛ گزیده‌ها جُنگ‌واره هستند و صرفاً ذوق و سلیقه گردآورنده آنها را به هم پیوند می‌دهد؛ برای هر درس چندین گزیده فراهم شده است که این گزیده‌ها گاه هم‌پوشانی دارند؛ گزیده‌ها مانع از دسترسی دانشجویان به اصل متون است؛ هیچ‌یک از گزیده‌ها با مواد کمک‌آموزشی پشتیبانی نمی‌شوند؛ در محتوای گزیده‌ها تکرار مطالب دوره‌های آموزشی قبل دیده می‌شود (سنگری، ۱۳۸۴).

با توجه به ضعف‌های یادشده، الزامات این حوزه به شرح ذیل است:

۱. توسعه کمی و کیفی رشته زبان و ادبیات فارسی در قالب تأسیس گروه‌ها، رشته‌ها و گرایش‌ها و میان‌رشته‌هایی است که بتواند دقیق، جزئی‌نگرانه و عمیق به مطالعات زبانی و ادبی بپردازد. در این صورت نسل آینده متخصص، عالم، کارآمد، نوجو و مسئله‌یاب خواهد شد. این توسعه باعث می‌شود علائم کهنگی، سنت‌گرایی و ایستایی از برنامه‌های رشته زبان و ادبیات فارسی زدوده شود.

برنامه‌ریزی‌های کمی و کیفی باید ناظر بر نیازهای امروز و هم‌سو با توسعه و گسترش سایر علوم انسانی چون فلسفه، هنر، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی باشد. در این برنامه‌ریزی باید از تجربیات استادان مجرب و سال‌دیده، در کنار محققان و استادان جوان و پرنشاط و نوگرا، بهره‌مند شد تا راه افراط و تفریط بسته بماند و کاستی‌های برنامه فعلی رفع شود.

۲. لازم است در برنامه‌ریزی‌های آموزشی نقش زبان فارسی به‌عنوان عامل مهم هویت‌بخشی و وحدت‌آفرینی، در برنامه‌های درسی پررنگ‌تر و مؤثرتر باشد؛ زیرا یکی

از اهداف مهم سند چشم‌انداز کشور، استفاده از زبان فارسی به‌عنوان زبان علم در تمامی مراکز علمی کشور است. این نیاز به توجه، از آنجا ضرورت می‌یابد که در دنیای جدید و با سیطرهٔ زبان‌های بین‌المللی، ممکن است رفته‌رفته نقش زبان مادری و ملی ما ایرانیان کم‌رنگ و یا محو گردد. نسل امروز بیش‌ازپیش باید از این خطر آگاهی داشته باشد و به آن مسلط شود و این مسئله مهم نقش دانشگاه‌ها و مدارس را در سیاست‌گذاری و حمایت از زبان فارسی برجسته‌تر می‌کند.

۳. نظام آموزشی در حوزهٔ زبان و ادبیات باید بتواند از تجربیات نویسندگان و شاعران و خود آنان در جریان آموزشی به شکل شایسته‌ای بهره‌مند شود تا شکاف ادیبان و دانشگاهیان با پدید‌آوردن‌گان ادبی از میان برود. در این صورت می‌توان امید داشت به‌جای پرداختن به حواشی و مسائل غیرمهم و غیرخلاق، به ابعاد حقیقی و هدف‌های اصلی ادبیات و کارکردهای واقعی آن پرداخته شود.

۴. نظام آموزشی در حوزهٔ زبان و ادبیات، در کنار آموزش و اصلاح برنامه‌ها، باید به نیازهای کشور، ظرفیت‌های این رشته و بازار کار و کارآفرینی برای دانش‌آموختگان نیز توجهی درخور داشته باشد. ترسیم آینده‌ای روشن برای نسل جوان و علاقه‌مند به زبان و ادبیات فارسی می‌تواند زمینه‌های رشد آنان را فراهم سازد. تعامل گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات فارسی با بازارهای کار و معرفی توان علمی این رشته در رفع نیازهای آنان و جلب حمایت بخش خصوصی در کارآفرینی و ایجاد زمینه‌های معرفی دانش‌آموختگان به بخش‌های رسانه‌ای، پژوهشی و آموزشی می‌تواند قدم مهمی در این راه باشد.

۵. برای توانمند کردن استادان زبان و ادبیات فارسی و بالا بردن نگرش، روش و دانش آنان، ایجاد دوره‌های فوق‌دکتری، برگزاری کارگاه‌های آموزشی به‌جای هم‌اندیشی‌های پرهزینه و کم‌فایده و اجرای طرح صلاحیت مدرسی می‌تواند راهگشا باشد. حفظ ساعت موظفی تدریس مطلوب برای هر استاد و انتشار خبرنامه علمی - آموزشی و پژوهشی ماهنامه برای آگاهی از آخرین دستاوردها ثمربخش خواهد بود.

۶. متون درسی این رشته باید به فراخور غنای ادبی آن، از لحاظ آموزشی و روشی نیز غنی باشد و به‌جای پخته‌خوار کردن دانشجویان، آنان را روشمند کند و بتواند تصویری جامع و روشن از آن درس یا متن یا شاعر ارائه دهد. در کنار متون آموزشی منقح و روشمند و برنامه‌ریزی شده، باید فرصت‌های لازم برای نهادهای خصوصی و دولتی فراهم شود تا بتوان از فناوری‌های نوین آموزشی نیز به‌مقتضای رشته بهره‌جست.

۷. توجه همه‌جانبهٔ مسئولان فرهنگی و دانشگاهی به آموزش زبان و ادبیات فارسی

در خارج از کشور، هم برای ایرانیان مقیم و هم علاقه‌مندان به ایران‌شناسی و آموزش زبان و ادبیات و فرهنگ ایرانی بسیار ضروری است. حضور ایران در تمامی کشورها، به‌خصوص در آمریکا به دلیل زمینه‌ها و کرسی‌های فراوان و حضور اغلب ایرانیان در آنجا ضروری‌تر از بقیه است. حذف زبان فارسی در کرسی‌های خارج از کشور باعث حذف مطالعات ایران‌شناسی می‌شود. امروزه با وجود توان و ظرفیت بالای ادبیات غنی عرفانی با شاعرانی چون مولوی، حافظ و سعدی و اظهار علاقه غربیان به این آثار، ضرورت توسعه و گسترش این کرسی‌ها را بیشتر می‌سازد.

حضور فرهنگی ایران با اعزام استاد، ارسال کتاب، اعلان (پوستر)، نوار، برگزاری هم‌اندیشی، و به‌خصوص حمایت مالی ممکن می‌گردد. لازم است استادان مقیم شناسایی و حمایت شوند؛ زیرا کم‌هزینه‌ترین و پرفایده‌ترین روش ترویج زبان و ادبیات فارسی و فرهنگ ایرانی در خارج از کشور است.

۸. در برنامه‌های درسی رشته زبان و ادبیات باید امکانات، لوازم، درس‌ها و زمینه‌هایی فراهم شود که با ابزار نو و یافته‌ها، نظریه‌های جدید و دیدگاه‌های تازه بتوان آثار کهن ادب فارسی را نقد و بررسی کنیم و آنها را از زاویه‌های نو بررسی و معرفی کنیم و این کار یکی از زمینه‌های تلفیق ادب کهن با ادب معاصر است. در غیر این صورت باید در آینده شاهد آن باشیم که ادبیات فارسی را نظریه‌پردازان بیگانه نقد و تحلیل کنند و ما به نوشته‌های آنان ارجاع دهیم؛ چنان‌که اکنون نیز چنین می‌کنیم.

۲-۶. بررسی و تحلیل وضعیت فعلی رشته زبان و ادبیات فارسی در حوزه پژوهش

طی پنج سال گذشته بیش از پنجاه هم‌اندیشی و فراهمایی ملی و منطقه‌ای و بین‌المللی در ایران تشکیل شده است. مقالات ارائه‌شده به این هم‌اندیشی‌ها سطحی نازل دارند؛ تعداد شرکت‌کنندگان در آنها بسیار اندک است؛ اغلب، دستاورد این هم‌اندیشی‌ها به چاپ خلاصه و مجموعه مقالات محدود می‌شود؛ مجموعه مقالات این همایش‌ها دیر چاپ می‌شوند و یا اساساً چاپ نمی‌شوند.

در بخش مطبوعات و نشریات دانشگاهی و غیردانشگاهی ادبی هم‌اکنون چهارده نشریه علمی - پژوهشی و ده نشریه علمی - ترویجی و سی نشریه ادبی چاپ می‌شود. علاوه بر نشریات ادبی که به‌طور مستقیم به ترویج و تحقیق موضوعات و مسائل ادبی می‌پردازند، در نشریات و روزنامه‌ها و نیز هفته‌نامه‌ها بخشی یا صفحه‌ای به ادبیات و زبان فارسی اختصاص دارد که شامل نقد، داستان، شعر، گفت‌وگو، و معرفی کتاب‌های ادبی می‌شود.

تعداد نشریات علمی - پژوهشی و شمارگان مجلات بسیار کم است؛ گرفتن هزینه چاپ مقاله باعث می‌شود تنها نیازمندان به ارتقا و ترفیع مقاله بنویسند؛ طول دوران داوری و انتشار مجلات (متوسط هجده ماه) زیاد است. تخصصی نبودن نشریه‌های علمی - پژوهشی باعث توسعه نیافتگی زیررشته‌ها و گرایش‌ها شده است.

هم‌اکنون در بخش دولتی پانزده مرکز و نهاد پژوهشی مستقل و نیمه‌مستقل مشغول فعالیت هستند. همچنین بیست نهاد پژوهشی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، ادواری و اتفاقی، از پژوهش‌های زبانی و ادبی حمایت می‌کنند.

پژوهش‌های ادبی در بخش‌های دولتی و غیردولتی، اعم از پژوهش‌های فردی و گروهی، پایان‌نامه‌ها و رساله‌ها، به شکل‌های سفارشی و غیرسفارشی شامل موارد زیر است (رضی، احمد، ۱۳۷۶):

۱. پژوهش‌های تاریخی - زندگی‌نامه‌ای، شامل شرح‌های نویسندگان و شاعران و عصر زندگی آنها؛

۲. پژوهش‌های ترتیبی - تنظیمی، شامل فرهنگ‌ها، دایره‌المعارف‌ها، دانش‌نامه‌ها، کتاب‌شناسی‌ها؛

۳. پژوهش‌های تصحیحی - توضیحی، شامل حاشیه‌نویسی، تعلیقه بر متون، تصحیح متون، پاورقی‌نویسی، شرح متون، توضیح دشواری‌ها؛

۴. پژوهش‌های تحلیلی - انتقادی، شامل تجزیه و تحلیل محتوایی آثار بر اساس اندیشه مؤلفان به همراه نقد؛

۵. پژوهش‌های تألیفی - تفسیری، شامل بررسی لایه‌های معنایی و تأویل متون و بررسی ابعاد و زوایای آنها؛

۶. پژوهش‌های تطبیقی - مقایسه‌ای، شامل کشف روابط فرهنگی و ادبی و اثرگیری و اثرپذیری آثار ادبی از هم و بر هم، از رهگذر مقایسه دو اثر یا دو نویسنده و یا دو شاعر؛

۷. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، شامل بررسی و تحلیل متون ادبی با نگاهی به رشته‌های دیگر، مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی؛

۸. آثار درهم و مجموعه‌ای و کشکولی؛

باتوجه به اینکه در ایران غیر از دانشگاهیان، عموم مردم نیز به زبان و ادبیات فارسی علاقه‌مند هستند، محققان این رشته را همه گروه‌ها تشکیل می‌دهد و تنوع روش‌ها و گونه‌های پژوهشی در آن چشمگیر است. اغلب باید پژوهش‌های غیرحرفه‌ای در این حوزه را «فعالیت‌های ادبی» نامید نه پژوهش ادبی.

مهم‌ترین و گسترده‌ترین حوزه پژوهشی دانشگاه‌ها، پایان‌نامه‌های پژوهشی هستند. با گسترش آموزش عالی در ایران طی بیست سال اخیر و پدید آمدن دانشگاه‌های آزاد اسلامی، پیام نور، شبانه و افزایش تعداد دانشجو، هر سال صدها عنوان پایان‌نامه و رساله در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دفاع می‌شود. عمده‌ترین آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات فارسی، برطبق آخرین پژوهش (غلامی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۱۸۱-۱۹۲) عبارت است از:

وجود بی‌نظمی، تنوع روش‌ها، الگوها، رویکردها و تلقی‌های گوناگون در پژوهش‌های ادبی؛ پرداختن به پژوهش‌های موضوع‌محور به‌جای پژوهش‌های مسئله‌محور؛ پرداختن به موضوعات تکراری، کهنه، و کم‌اهمیت به‌جای نوآوری علمی و تولید علم؛ روشمند نبودن پژوهش‌های ادبی و یا مبهم بودن روش تحقیق؛ حمایت‌های مادی و معنوی اندک از پژوهش‌ها؛ توجه به کمیت در پژوهش‌های ادبی به‌جای کیفیت؛ خلط پژوهش‌های ادبی با آفرینش ادبی؛ کم‌توجهی به کارایی، اثربخشی، نتیجه و کاربردهای پژوهش‌های انجام‌شده؛ بی‌توجهی به تحقیقات میان‌رشته‌ای؛ بازنویسی آرای نویسندگان خارجی؛ نبود بانک اطلاعات جامع و یا عدم اطلاع پژوهشگران از منابع اطلاعاتی؛ نامشخص بودن نیازها و اولویت‌های تحقیقاتی و نداشتن نقشه جامع؛ نبود روحیه جمعی و کار گروهی؛ کمی فضای انتشار یافته‌های پژوهشی؛ مقررات دست‌وپاگیر اداری برای تصویب طرح، پرداخت دیرنگام اقساط، و سخت‌گیری‌های بی‌دلیل و غیرکارشناسانه؛ عدم استفاده پژوهشگران از فناوری‌های نوین؛ عدم تعامل مثبت و سازنده میان پژوهشگران در جهت بهره‌گیری از تجربیات یکدیگر؛ آشنایی کم و تسلط ناکافی محققان و دانشجویان زبان و ادبیات فارسی به زبان‌های خارجی؛ محقق‌پرور نبودن ساختار نظام؛ عدم ارتباط مثبت و معنی‌دار زبان و ادبیات فارسی با سایر حوزه‌های علمی؛ احساس کاذب بی‌نیازی به پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی؛ عدم تربیت نیروهای پژوهشگر متخصص و مجرب؛ فقدان سیاست‌های پژوهشی؛ عدم وجود کلان‌نگری علمی - ادبی؛ نبود پیوند هدفمند میان موضوع پایان‌نامه یک دانشگاه با هم و دانشگاه‌های کشور با یکدیگر؛ تمرکز بر ارائه اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و نشده ادبی؛ عدم تناسب میان طرح پایان‌نامه و پژوهش نهایی؛ نبود روش مشخص و علمی پژوهشی؛ روشن شدن روش تحقیق در حین انجام پژوهش؛ جدی نگرفتن درس مرجع‌شناسی و روش تحقیق؛ گرایش به موضوع‌هایی که مسئله‌محور نیست؛ انتخاب موضوع‌های ناقص و ناتمام؛ بی‌توجهی به موضوعات

جدید؛ اشتغال استاد راهنما به پایان‌نامه‌های متعدد؛ عدم چاپ و یا انتشار مقالات برگرفته از رساله‌های زبان و ادبیات فارسی؛ کمیت‌گرایی و حجم زیاد به‌جای پرداختن به تحلیل محتوا؛ ناقص بودن فرم تحقیق؛ عدم استفاده از منابع دست‌اول؛ غلط‌های حروف‌نگاری و ویرایش فراوان؛ عدم ارتباط عنوان با موضوع؛ نبود معیارهای دفاع، داوری، و ارزیابی؛ کمی وقت؛ ارائه مباحث غیرمرتبط؛ ناهمگونی تخصص استاد با موضوع پژوهشی.

با توجه به ضعف‌های یادشده، الزامات در حوزه پژوهش به شرح ذیل است:

۱. مجموعه پژوهش‌های زبان و ادبیات کشور باید بتواند مرزهای دانش در این حوزه را گسترش دهد؛ به‌گونه‌ای که با ترتیب فهرستی از اولویت‌های پژوهشی، نتیجه یک پژوهش یا چند پژوهش بتواند دست‌مایه و مبدأ پژوهش‌های دیگر قرار گیرد؛ به عبارتی، هر پژوهش یک قطعه از جورچین (پازل) تحقیقات برنامه‌ریزی‌شده‌ای باشد که برآیند نیازهای حال و آینده است. با چنین روشی گره‌های فروبسته گشوده می‌شود (داوری اردکانی، ۱۳۸۶).

در این صورت ابتدا باید فهرستی نظام‌یافته از پایان‌نامه‌ها و عنوان‌های پژوهشی حوزه زبان و ادبیات فارسی در یک مجموعه گرد آید و در دسترس همگان قرار گیرد و پس از انجام، در بانک اطلاعات پژوهشی زبان و ادبیات فارسی (زیر نظر فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی یا هر نهاد دیگر) ثبت شود.

در این فهرست قدر مسلم هر قطب علمی با دانشگاه و مؤسسه‌ای رهبری یک گروه از پژوهش‌ها را برعهده خواهد گرفت که استادان آن رشته و دانشگاه در آن صاحب‌نظرند. در تهیه فهرست، اصل درجه‌بندی و اولویت‌گذاری و سطح‌بندی بسیار مهم است و این اولویت‌ها بایستی در ادامه سیاست‌های توسعه علمی و فرهنگی کشور باشند.

این اهداف زمانی میسر می‌گردد که به‌جای کار فردی، کار گروهی صورت گیرد تا نتیجه آن دقیق‌تر و قابل اعتمادتر باشد. در این راه، فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی، به‌جای اینکه همچون مؤسسه‌ای پژوهشی به انجام فعالیت‌های پژوهشی بپردازد، باید به رصد کردن فعالیت‌ها و موضوعات و دستاوردهای علمی و تحقیقی کشور و ارزیابی آنها و سیاست‌گذاری در امور پژوهش زبان و ادبیات فارسی بپردازد و به تحقیقات کشور سامان دهد. بانک‌های اطلاعاتی نیازهای پژوهشی پژوهشگران را تأمین نمایند.

۲. مهم‌ترین اولویت‌های پژوهشی امروز با توجه به تاریخ یک‌هزارساله زبان و ادبیات فارسی و زبان و ادبیات دوره باستانی، تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی شامل لغات و

اصطلاحات این زبان است تا مکمل فرهنگ‌های گذشته باشد؛ زیرا فرهنگ‌های گذشته فاقد جامعیت لازم هستند و پاسخگوی نیازهای عصر حاضر نمی‌باشند (حبیبی، ۱۳۸۵). از دیگر اولویت‌های مهم پژوهشی واژه‌گزینی و معادل‌یابی و اصطلاح‌یابی است که وظیفه اصلی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است. این روند، با توجه به سرعت توسعه فناوری و علوم، باید روندی مضاعف داشته باشد. طبعاً این واژگان باید هم مورد توافق اندیشمندان و اهل فن باشد و هم مورد پسند کاربران و مردم. فرهنگستان باید به دور از فضای بسته و شورایی خود پا به عرصه اجتماع بگذارد و محل تعامل قرار گیرد و چگونگی تعامل و ارتباط خود را با محیط‌های زبانی و ادبی به روشنی تعریف کند و فعال نماید. فرهنگستان باید شرایطی فراهم کند تا تمام دانشگاهیان و اهل فن بتوانند در فرایند واژه‌سازی و واژه‌گزینی دخیل باشند و در واقع فضای فرهنگستان برآیند واقعی نخبگان علمی، ادبی و زبانی جامعه باشد نه گروهی سنت‌زده و سالخورده. امروزه گردآوری مواد ادب شفاهی چون قصه‌ها، گویش‌ها، ضرب‌المثل‌ها، واژگان گویشی، ترانه‌ها و فرهنگ مردم که در معرض نابودی و فراموشی‌اند، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. در اولین فرصت باید قبل از نابودی کامل، آنها را جمع آورد و سپس به طبقه‌بندی و تحلیل دست زد. تأخیر در این امر خسارت جبران‌ناپذیری بر بدنه فرهنگ ما وارد می‌آورد.

زبان و ادبیات عامه بزرگ‌ترین میراث و سرمایه معنوی و پشتوانه هر ملتی برای دوام و بقا، و رکن مهمی از فرهنگ آن ملت است. زبان و ادبیات عامه مردم ایران و خصوصاً فرهنگ آن نیز از جمله غنی‌ترین گنجینه‌ها در میان تمدن‌های بشری است. دیرینگی و کهن‌سالی قوم ایرانی، غنای فرهنگی ادبی، تعدد پاره‌فرهنگ‌ها و پراکندگی جغرافیایی قومیت‌ها، عامل تقویت‌کننده این غنای فرهنگی است. چنان‌که با تحول نسل‌ها و سرعت توسعه فناوری‌های نوین، نتوانیم میان فرهنگ غنی مادی و معنوی گذشته و امروز پلی استوار ببندیم، در هنگامه هجوم فرهنگ‌های مهاجر و مهاجم، پاسداری از حریم زبان و ادب بومی، مردمی و عامه، که آبشخور فرهنگ ملی ماست، کاری بس دشوار خواهد بود.

امروزه در کشورهای توسعه‌یافته با سرمایه‌گذاری‌های کلان از طریق تأسیس پژوهشکده‌ها و مطالعات بنیادی و ایجاد رشته‌های دانشگاهی بدین حوزه رونق بخشیده‌اند. طی چند دهه گذشته پژوهش‌هایی به صورت فردی و جمعی از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی در زمینه‌های زبان و ادبیات شفاهی انجام گرفته است که در جای خود بس

مهم و کارساز بوده است، لیکن به دلیل قائم به شخص بودن این حرکت‌ها، بر اثر انصراف از ادامه کار یا مرگ افراد، این پژوهش‌ها تداوم نیافته و یا در برخی موارد از دست رفته است. در مراکز دانشگاهی نیز تا کنون برنامه‌ریزان آموزشی، گرایش یا رشته و حتی درسی با عنوان زبان و ادب عامه در نظر نگرفته‌اند و حداقل توجهی به این حوزه مهم به عمل نیامده است.

در مقطع متوسطه در سال‌های ۵۶-۵۷ درس ادبیات عامه در سال چهارم دبیرستان با کتابی مستقل تدریس می‌شده است. اکنون در برخی رشته‌های جامعه‌شناسی و مردم‌نگاری تنها از بُعد موضوع رشته خود، توجه اندکی به زبان و ادبیات عامه به عمل می‌آید که بسیار کلی و غیرتخصصی است؛ از این رو، در طی یکصد سال اخیر به موازات رشته‌های دیگر علوم انسانی، نه متخصصان و پژوهشگران این رشته تربیت شده‌اند و نه در حوزه نظری مباحث علمی آن سامان داده شده و نه به‌طور علمی به گردآوری، طبقه‌بندی و تحلیل متون زبان و ادب شفاهی پرداخته شده است. تنها به حوزه زبان و گویش در رشته‌های زبان‌شناسی توجهی البته نه آن‌چنان درخور، می‌شود؛ درحالی‌که این رسالت بر دوش گروه‌های زبان و ادبیات فارسی دانشگاه‌هاست (ذوالفقاری، ۱۳۸۷: ۴). از دیگر اولویت‌های پژوهشی تعریف نسبت زبان با رایانه و به خدمت درآوردن آن در امر پژوهش‌های زبانی و ادبی است و از طرفی، تعریف زبان فارسی در محیط‌های رایانه‌ای و حل مشکلات آن امری ضروری است.

در تحقیقات ادبی در نظر گرفتن قلمرو زبان فارسی در گستره کشورهای فارسی‌زبان، شبه‌قاره، حوزه‌های تمدنی جهان ایرانی و دیگر کشورها باید مد نظر باشد تا بدین ترتیب جامعیت زبان و ادب فارسی در طول تاریخ حفظ شود. ایران به‌عنوان «مادر فرهنگ» این حوزه تمدنی وسیع، باید نقش محوری و رهبری خود را به‌خوبی ایفا کند و بتواند ضمن تهیه مواد و محتوای علمی، افرادی را به‌عنوان محققان از آن کشورها در خود تربیت کند تا مبلغان، مروّجان و محققان این فرهنگ عظیم باشند.

۳. لازم است مؤسسات و مراکز تحقیقاتی زبان و ادبیات فارسی و تعداد اعضای هیئت علمی افزایش یابد. توزیع و پراکندگی این مراکز می‌تواند با توجه به قطب‌های علمی کشور و با اهداف ویژه و محوریت یک دانشگاه تأسیس شود. حاصل این تمرکز، جهت‌گیری دقیق و عمیق مسائل پژوهشی است.

هریک از پژوهشکده‌ها، هدایت تحصیلی، مشاوره علمی دانشجویان در نگارش پایان‌نامه و رساله در همان موضوع و طرح‌های پژوهشی، کتابخانه تخصصی، انتشار

اسناد و مراجع و متون هر رشته و تأسیس رشته‌های تخصصی را در اولویت‌های کاری خود قرار می‌دهند.

۴. رشد متوازن آموزش و پژوهش از جمله جهت‌گیری‌های مهم در آینده پژوهشی کشور است. این توازن از آن جهت است که نباید آموزش فدای پژوهش شود و رشد بی‌رویه پژوهش مانع انجام آموزش‌های صحیح باشد، بلکه این توازن به معنی همسویی این دو حوزه است. آموزش‌های صحیح مبتنی بر پژوهش است، در نتیجه پژوهش باید به اصلاح وضع آموزش منجر شود.

۵. شاخص‌ها و معیارهای ارزیابی و سنجش تحولات پژوهش‌های ادبی باید با توجه به مساحت‌های مختلف ادبی مثل محلی یا کشوری، عمومی یا دانشگاهی، سنتی یا جدید، زبانی یا ادبی و جنس و نوع اهمیت آنها بر مبنای کاربردی، توسعه‌ای و بنیادی تعیین شود. همچنین، معیار مهم در سنجش پژوهش‌های ادبی کشور این است که تا چه میزان این پژوهش‌ها به توانمندسازی و گسترش زبان فارسی منجر می‌شوند و نتایج این تحقیقات چه مشکلی از مشکلات فرهنگی و یا اجرایی کشور را حل می‌کند. پژوهش‌های ادبی همچنین باید به تقویت معرفت و هویت ایرانی، کم کردن فاصله ادبیات دانشگاهی و مردمی، رشد خلاقیت‌های زبانی و ادبی و تحرک زبانی بینجامد و به حوزه‌های کاربردی (در مفهوم وسیع آن) نزدیک شود.

۶. با توجه به افزایش و رشد کمی دانشگاه‌ها و رشته‌ها و جذب استادان جدید زبان و ادبیات فارسی، باید تعداد و عناوین مقالات علمی - پژوهشی افزایش متناسب داشته باشد.

۷. انجمن‌های علمی زبان و ادبیات در توسعه فناوری‌ها، سیاست‌گذاری‌های کلان، توسعه و ترویج مجلات علمی - پژوهشی، برگزاری هم‌اندیشی‌ها و کارگاه‌های آموزشی نقش مهمی دارند. بهتر است علاوه بر دو انجمن فعلی، انجمن‌های تخصصی دیگری نیز تأسیس شوند و یا همین انجمن‌ها تقویت شده، کارگروه‌های تخصصی آنها فعال شوند (مهرپویا، ۱۳۷۶).

پیشنهاد‌های راهبردی

بر اساس آنچه گفته شد، سیاست‌های توسعه‌ای رشته زبان و ادبیات فارسی و راهبردهای آن در حوزه آموزش و پژوهش، در قالب پانزده پیشنهاد و یکصد راهبرد به شرح ذیل ارائه می‌شود. این راهبردها برآمده از ده‌ها مقاله و اظهار نظر معلمان، متخصصان و استادان زبان و ادبیات است.

الف) آموزش**۱. اصلاح نظام برنامه‌ریزی درسی زبان و ادبیات فارسی****راهبردها**

- ۱-۱. تهیه برنامه درسی به جای کتاب درسی؛
 - ۱-۲. توسعه و تعمیم برنامه‌های خلاق در درس زبان و ادبیات فارسی؛
 - ۱-۳. تمرکززدایی در بخش برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فارسی؛
 - ۱-۴. تشکیل شورای راهبردی برای قانونمند کردن مبانی انتخاب و گزینش آثار شاعران و نویسندگان؛
 - ۱-۵. حذف نظام کنکور سراسری؛
 - ۱-۶. هماهنگی محتوای آموزشی دروس زبان و ادبیات دبیرستان با فارسی عمومی و درس‌های تخصصی رشته زبان و ادبیات دانشگاه؛
- ۲. توجه به آموزش زبان فارسی و توانمندی زبانی دانش‌آموزان**

راهبردها

- ۲-۱. افزایش ساعات زبان فارسی؛
 - ۲-۲. هماهنگی رسانه‌ها با آموزه‌های زبانی و ادبی؛
 - ۲-۳. تأسیس پژوهشکده زبان‌آموزی به منظور مطالعات زبان‌آموزی برای زبان اول و دوم؛
- ۳. گسترش برنامه‌های بازآموزی و ضمن خدمت زبان و ادبیات فارسی برای معلمان**

راهبردها

- ۳-۱. آموزش روش‌های تدریس در کنار محتوا به معلمان؛
 - ۳-۲. تربیت معلمان ویژه آموزش زبان دوم برای تدریس در خارج از کشور؛
 - ۳-۳. گزینش معلمان خلاق، علاقه‌مند و با انگیزه؛
 - ۳-۴. توسعه روش‌های تدریس نوین، خلاق و نوآوری‌های آموزشی.
- ۴. تکیه بر خلاقیت‌های ادبی دانش‌آموزان**

راهبردها

- ۴-۱. ایجاد ساعات آزاد برای پرورش ذوق ادبی و خلاقیت در برنامه هفتگی دانش‌آموزان؛
- ۴-۲. برگزاری المپیادهای ادبی برای تمامی رشته‌ها در داخل و خارج از کشور.

۵. نظارت و افزایش مواد کمک آموزشی

راهبردها

۵-۱. سامان‌دهی کتاب‌های کمک‌آموزشی و سیاست‌گذاری‌های لازم با هماهنگی وزارت ارشاد؛

۵-۲. توسعه کمی و کیفی مجلات مربوط به دانش‌افزایی و آموزشی و مهارتی زبان و ادبیات فارسی برای معلمان و دانش‌آموزان.

۶. تأسیس دانشکده زبان و ادبیات فارسی با گروه‌ها، رشته‌ها، گرایش‌ها و میان‌رشته‌ها
راهبردها

۶-۱. توسعه گروه ادبیات فارسی شامل رشته‌ها و گرایش‌های:

- ادبیات کلاسیک با گرایش‌های مولوی‌پژوهشی، حافظ‌شناسی، سعدی‌پژوهشی، ادبیات غنایی، ادبیات حماسی؛
- ادبیات معاصر با گرایش‌های ادبیات انقلاب اسلامی، نیم‌پژوهشی، ادبیات مشروطه، اخوان‌شناسی؛
- ادبیات عرفانی با گرایش‌های نثر عرفانی، شعر عرفانی، طریقت‌های عرفانی، تاریخ تصوّف؛

• ادبیات داستانی با گرایش‌های ادبیات داستانی سنتی، معاصر، جهان؛

۶-۲. تأسیس گروه زبان فارسی شامل رشته‌ها و گرایش‌های:

- ویراستاری با گرایش‌های مطبوعاتی، ترجمه، عمومی و جز آن؛
- آموزش زبان فارسی با گرایش‌های آموزش به غیرفارسی‌زبانان، فارسی‌زبانان، زبان فارسی و رسانه، زبان فارسی و رایانه و جز آن؛
- دایره‌المعارف‌نویسی و فرهنگ‌نگاری با گرایش‌های فرهنگ‌نگاری، دایره‌المعارف‌نویسی.

۶-۳. تأسیس گروه مطالعات میان‌رشته‌ای زبان و ادبیات فارسی شامل رشته‌ها و گرایش‌های:

- زبان و ادبیات عامه با گرایش‌های قصه‌شناسی، مثل‌نگاری، اسطوره‌شناسی، گویش‌شناسی، شعر عامه؛
- ادبیات کودک با گرایش‌های شعر کودک، ادبیات داستانی کودک، تاریخ ادبیات کودک؛
- نسخه‌پژوهشی با گرایش‌های نسخه‌شناسی، فهرست‌نویسی، تصحیح متون؛
- زبان فرهنگ و ادبیات کشورهای هم‌زبان با گرایش‌های ماوراءالنهر، افغانستان.

۶-۴. تأسیس گروه نظریه و نقد ادبی با رشته‌ها و گرایش‌های:

- نقد ادبی با گرایش‌های نقد ادبی و مطالعات فرهنگی، نقد فیلم، نشانه‌شناسی؛
- ادبیات تطبیقی با گرایش‌های ایران و غرب، ایران و عرب، ایران و خاور دور و جز آن.

۷. تبدیل زبان فارسی به زبان علم در محیط‌های آموزشی ایران

راهنما

- ۷-۱. کشف ویژگی‌های مشترک زبان فارسی از لحاظ ساختارهای صرفی، نحوی و واژگانی و سایر ویژگی‌های زبانی از طریق زبان‌شناسی مقابله‌ای؛
- ۷-۲. تقویت بنیه فرهنگی‌ها برای وضع اصطلاحات، لغات و واژه‌گزینی در تمامی زمینه‌های علمی؛
- ۷-۳. بهره‌گیری از قابلیت‌های زبان فارسی و گویش‌های محلی در وضع لغات و برابرها؛
- ۷-۴. توسعه فرهنگ استفاده از برابره‌های فارسی در سطوح مختلف جامعه؛
- ۷-۵. نظارت بر ترجمه متون از طریق ایجاد نهادی در فرهنگستان؛
- ۷-۶. تأسیس مرکز یا انجمن علمی ترجمه متون برای سیاست‌گذاری، نظارت بر امر ترجمه و کنترل آن؛
- ۷-۷. ایجاد ارتباط مستمر و مفید بین رشته زبان و ادبیات فارسی با سایر رشته‌ها همچون علوم انسانی، فنی، مهندسی، پزشکی، هنر و علوم پایه؛
- ۷-۸. برگزاری کارگاه‌های تخصصی واژه‌سازی، واژه‌گزینی و درست‌نویسی برای متخصصان، استادان و مترجمان؛
- ۷-۹. تألیف کتابی ساده برای متخصصان سایر علوم در مورد شیوه‌های علمی واژه‌سازی؛
- ۷-۱۰. مطالعات تاریخی برای اثبات توان زبان فارسی به‌عنوان زبان علم؛
- ۷-۱۱. شناخت نیازها و مشکلات کاربران زبان فارسی و ارائه راه‌حل علمی و علمی؛
- ۷-۱۲. تبیین دقیق جایگاه چهار زبان ملی، بومی، دینی و بین‌المللی و لزوم و ضرورت هریک و نحوه تعامل آنها؛
- ۷-۱۳. تعدیل دو دیدگاه سنتی و نو میان زبان‌شناسان و ادیبان در مورد کاربرد واژگان زبان فارسی؛

- ۷-۱۴. گشودن قید و بندهای غیرضروری از دست و پای زبان فارسی، مثل: سعه صدر در پذیرش ادات واژه‌سازی دیگر زبان‌ها، احیای برخی ادات مُرده، پذیرش معنای جدید واژگان کهن، بهره‌گیری از واژه‌های علمی نو، واژه‌سازی ترکیبی (فارسی - انگلیسی)، ساخت مصادر جعلی؛
- ۷-۱۵. شناخت آسیب‌ها و موانع کاربرد فارسی به‌عنوان زبان علم، از جمله: عدم کاربرد رسانه‌ها و کتاب‌های آموزشی، خودبستگی فرهنگی، واکنش و موضع‌گیری‌های غیرمنطقی، بی‌توجهی دانشگاهیان، بضاعت اندک کاربران زبان، بی‌توجهی مراکز علمی؛
- ۷-۱۶. بهره‌گیری از تجربیات کشورهای دیگر؛
- ۷-۱۷. تأسیس نهاد نظارتی برای کاربرد دقیق زبان فارسی در متون علمی (ملکان، ۱۳۶۵).

۸. تغییر و تحول اساسی در سرفصل‌های برنامه‌های درسی راهبردها

- ۸-۱. بازنگری در برنامه‌های دروس اصلی و تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی؛
- ۸-۲. بررسی تطبیقی سرفصل درس زبان و ادبیات در ایران با کشورهای دیگر.

ب) پژوهش

۱. مدیریت پژوهشی و نظارت و سیاست‌گذاری در امر پژوهش‌های زبانی و ادبی راهبردها

- ۱-۱. شناسایی پژوهشگران موفق، اثربخش و خلاق در زمینه ادبیات و بررسی علل رشد آنان در امر پژوهش و همچنین الگو قرار دادن آنان برای سایر پژوهشگران؛
- ۱-۲. بررسی و تحلیل جامع وضعیت موجود پژوهش ادب فارسی در داخل و خارج از کشور و تعیین راهبرد تحقیقات ادبی ایران با بهره‌گیری از دیدگاه‌های پژوهشگران سراسر کشور؛
- ۱-۳. اجرای طرح‌های تحقیقاتی برای شناسایی و معرفی مهم‌ترین مسئله‌های قابل پژوهش در ادبیات فارسی و مشخص کردن اولویت‌های تحقیقاتی در هر سال؛
- ۱-۴. مأموریت‌گرا کردن بخشی از تحقیقات ادبی و سوق دادن پایان‌نامه‌های دانشجویان دوره‌های دکتری و کارشناسی ارشد به مسائل مورد نیاز.

۲. جدی گرفتن «روش‌شناسی پژوهشی در عرصه ادبیات»

راهبردها

- ۲-۱. برگزاری کارگاه برای اعضای هیئت علمی و سایر پژوهشگران ادبی؛
- ۲-۲. سوق دادن آموزش دانشگاه‌ها، به‌ویژه در مقاطع تحصیلات تکمیلی، به سمت پژوهش؛
- ۲-۳. الزامی کردن درس سمینار در مقاطع تحصیلات تکمیلی؛
- ۲-۴. درخواست از پژوهشگران باتجربه و صاحب‌نظران، جهت تحقیق درباره روش تحقیق ویژه مطالعات ادبی؛
- ۲-۵. ایجاد گرایش پژوهشگری در مقطع کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی.

۳. توسعه زمینه‌های پژوهشی

راهبردها

- ۳-۱. ایجاد پایگاه اطلاع‌رسانی اینترنتی، ویژه پژوهش‌های ادبی، شامل اطلاعات مورد نیاز پژوهشگران، از جمله فهرست پژوهش‌های پایان‌یافته یا در دست اجرا در زمینه ادبیات و فراهم‌سازی امکان دسترسی پژوهشگران به منابع مورد نیاز؛
- ۳-۲. سرمایه‌گذاری برای تهیه نرم‌افزارهای الکترونیکی با قابلیت جست‌وجوی پیشرفته در منابع عظیم موجود، اعم از متون ادبی فارسی و آثار منتشرشده درباره ادبیات، از ابتدا تا کنون، جهت دسترسی آسان و سریع پژوهشگران به همه منابع؛
- ۳-۳. افزایش مبالغ حق‌التحقیق به میزان دوسوم حق‌التدریس؛
- ۳-۴. برگزاری نشست‌هایی با حضور تمامی پژوهشگران موفق کشور در جهت برنامه‌ریزی پژوهش زبان و ادبیات فارسی و سامان‌دهی آن؛
- ۳-۵. تلاش گروه‌های زبان و ادبیات فارسی کشور در جهت گرایش دانشجویان به سوی پژوهش‌های اصیل.

۴. توسعه پژوهش‌های بنیادی و کاربردی در زمینه زبان و ادبیات فارسی

راهبردها

- ۴-۱. اختصاص بخش قابل توجهی از سرانه تحقیقات کشور به پژوهش‌های کاربردی در زبان فارسی؛
- ۴-۲. همسویی نهادهای پژوهشی و مراکز مختلف برای پرهیز از دوباره‌کاری در امور پژوهشی؛
- ۴-۳. حمایت از رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی در جهت انجام پژوهش‌های زبانی؛

- ۴-۴. اختصاص بودجه‌های لازم برای مطالعات مربوط به خط و زبان فارسی و رایانه، از قبیل: ایجاد پیکره‌های زبانی رایانه‌ای، ترجمه ماشینی؛
- ۴-۵. ایجاد بانک رقمی (دیجیتالی) نسخه‌های خطی فارسی داخل و خارج از کشور، برای تسهیل استفاده محققان داخلی؛
- ۴-۶. نظرسنجی مقطعی، دوره‌ای، محلی و صنفی از میزان حساسیت فارسی‌زبانان به زبان فارسی؛
- ۴-۷. انجام برخی از پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی در قالب پژوهش مستقل و پایان‌نامه‌های دانشجویی.
۵. شناخت ظرفیت‌های پژوهشی زبان و ادبیات فارسی

راهِبردها

- ۵-۱. معرفی وسعت دامنه واژگان، اصطلاحات، کنایات، امثال، و مفردات زبان فارسی از طریق پژوهش؛
- ۵-۲. آشناسازی مردم با ظرفیت‌های زبان فارسی و ادبیات غنی و پرمایه آن و بهره‌گیری مثبت زبان فارسی از توانایی زبان‌های دیگر؛
- ۵-۳. معرفی دامنه ادبیات غنی این زبان در طول تاریخ و کثرت نویسندگان و شاعران و متون فارسی، اعم از چاپ‌شده و نشده، در ایران و خارج از ایران؛
- ۵-۴. توجه به ظرفیت‌های زبان فارسی در انتقال اندیشه‌های فلسفی، عرفانی، علمی و اخلاقی در طول تاریخ؛
- ۵-۵. ایجاد بانک اطلاعات پژوهش‌های انجام‌شده و در دست انجام، به‌منظور شناسایی پژوهش‌های لازم و ضروری انجام‌نشده؛
- ۵-۶. شناسایی توانمندی‌ها و عناصر جهان‌شمول زبان و ادبیات فارسی و ظرفیت‌سازی‌های لازم، به‌منظور معرفی شاهکارهای زبانی و ادبی ایران به جهان.
۶. تأسیس پژوهشکده‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی

راهِبردها

- ۶-۱. تأسیس پژوهشکده مطالعات زبان فارسی؛
- ۶-۲. تأسیس پژوهشکده مطالعات نظریه، نقد ادبی و مطالعات تطبیقی؛
- ۶-۳. تأسیس پژوهشکده مطالعات عرفانی؛
- ۶-۴. تأسیس پژوهشکده مطالعات ادبیات داستانی؛
- ۶-۵. تأسیس پژوهشکده مطالعات زبان، فرهنگ و ادب عامه؛

- ۶-۶. تأسیس پژوهشکده مطالعات ادبیات کلاسیک فارسی؛
- ۶-۷. تأسیس پژوهشکده مطالعات فرهنگ‌نویسی و فرهنگ‌نگاری؛
- ۶-۸. تأسیس پژوهشکده مطالعات فهرست‌نگاری و تصحیح نسخه‌های خطی فارسی؛
- ۶-۹. تأسیس پژوهشکده مطالعات تاریخ ادبیات فارسی؛
- ۶-۱۰. تأسیس پژوهشکده مطالعات برنامه‌ریزی و آموزش زبان و ادبیات فارسی.
- ۷. افزایش منابع مالی پژوهش‌های زبانی و ادبی و سامان‌دهی آن به وضع مطلوب**
راهِبردها

- ۷-۱. افزایش سرانه پژوهش‌های زبانی و ادبی از سوی دولت؛
- ۷-۲. جلب حمایت بخش خصوصی در انجام پژوهش‌های زبانی و ادبی؛
- ۷-۳. مشخص کردن سهم حمایت‌های پیدا و پنهان در پژوهش‌های زبانی و ادبی؛
- ۷-۴. جذب منابع مالی خارج از کشور برای توسعه پژوهش‌های زبانی و ادبی؛
- ۷-۵. در نظر گرفتن ۲۰٪ از حوزه پژوهش به بازآفرینی، ابداع و آفرینش و ۳۰٪ به تولید دانش و بقیه اعتبارات به پژوهش‌های کاربردی و راهبردی.
- ۸. ایجاد تسهیلات لازم و اعمال سیاست‌های تشویق برای تبدیل دانش و پژوهش به فناوری**
راهِبردها

- ۸-۱. برگزاری جشنواره سالانه پژوهش‌های ادبی در سطوح مختلف (نخبگان، جوانان و غیره) و تجلیل از آثار موفق؛
- ۸-۲. تلاش در جهت تولید مجلات فارسی و وارد کردن مجلات علمی - پژوهشی فارسی به نمایه‌های معتبر جهانی؛
- ۸-۳. ایجاد تسهیلات برای انتشار مجلات علمی - پژوهشی جدید در زمینه زبان و ادبیات فارسی و سروسامان دادن به وضعیت مجلات موجود در جهت ارتقای کیفیت و انتشار به موقع آنها؛
- ۸-۴. زمینه‌سازی برای ایجاد تعامل میان پژوهشگران ادبی از طریق برگزاری هم‌اندیشی‌ها، کارگاه‌ها و یا از طریق پایگاه‌های اینترنتی و فراهم آوردن زمینه برای حضور آنان در مجامع بین‌المللی و استفاده از فرصت‌های مطالعاتی در خارج از کشور؛
- ۸-۵. ملزم کردن دانشجویان و استادان راهنمای پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی به استخراج و چاپ مقاله از رساله‌های خود؛

۶-۸ انتشار خلاصه پژوهش‌ها و تحقیقات مستقل دولتی، غیردولتی، در قالب‌های رساله، پایان‌نامه، طرح تحقیقاتی و نتایج دستاوردهای آن به صورت سلسله انتشارات، هر پنج سال یک بار.

نتیجه‌گیری

اولین فرض مقاله (وضعیت فعلی رشته زبان و ادبیات فارسی با توجه به نقش کلیدی و هویتی آن مناسب نیست) را مجموعه مستندات و تحلیل‌های ارائه شده اثبات می‌کند. با توجه به اصول و اهداف توسعه‌ای و ملی حاکم بر کشور، زبان و ادبیات فارسی، به عنوان زبان ملی کشور، بایستی در رأس توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار گیرد. زبان و ادبیات فارسی عامل انسجام و وحدت بخشی اقوام ایرانی، مظهر هویت ملی، قدرت فرهنگی و ابزار نیرومند ترویج و تبیین فرهنگ اسلامی - ایرانی است. نقش و جایگاه زبان و ادبیات فارسی در نقشه جامع علمی کشور نه به عنوان یک رشته تحصیلی، بلکه به عنوان یکی از مؤلفه‌های هویتی، عنصر مهم قدرت فرهنگی ایرانیان، عامل ترویج و تبیین فرهنگ اسلامی، و عامل انسجام اقوام ایرانی بسیار مهم و حیاتی است. ادبیات غنی و کهن سال فارسی تجلیگر فرهنگ، هنر، تمدن و میراث فکری اقوام گذشته و بازتاب‌دهنده اندیشه‌ها، آرزوها و آرمان‌های ایرانیان در مسیر تاریخ است. امروزه حفظ هویت ملی (فردی و اجتماعی) در گرو حفظ زبان و ادبیات فارسی است. با توجه به فرض دوم (چشم‌انداز علمی رشته زبان و ادبیات فارسی و اولویت‌های آن از سوی نهادهای مسئول طراحی نشده است) مهم‌ترین اولویت‌ها در افق سند چشم‌انداز عبارت است از:

- پروردن زبانی مهذب و رسا برای بیان اندیشه‌های علمی و ادبی؛
- ایجاد نشاط و بالندگی در رشته زبان و ادبیات فارسی به تناسب مقتضیات زمان و زندگی و پیشرفت علوم و فنون بشری با حفظ اصالت آن؛
- تبدیل زبان فارسی به زبان علم در سطح جامعه و مراکز آموزشی و پژوهشی؛
- زبان و ادبیات فارسی در دوره‌های مختلف آموزشی بایستی عامل هویت‌بخش، وحدت‌آفرین، افزایش قدرت خلاقیت و نوآوری، بهبود و ارتقای فرهنگ و مهارت‌های زندگی فردی و گروهی (خانواده و جامعه)، هوشیاری و اعتماد به نفس ملی باشد؛

- برنامه‌محور نمودن دوره‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی به‌جای کتاب‌محور بودن و توجه به تفاوت‌های فرهنگی و گویشی اقوام مختلف ایرانی؛
 - انطباق و همسازی هویت ملی و دینی و ایجاد انس با مآثر و معارف تاریخی در نسل کنونی و نسل‌های آینده از طریق رشته زبان و ادبیات فارسی؛
 - پرورش معلمان و مدرسانی با توانایی علمی مناسب، مهارت‌های عملی آموزشی نوین و متناسب با شرایط روز، دارای ذوق ادبی و خلاق.
- همچنین برای فرض سوم (الزامات، راهبردها و سیاست‌های توسعه‌ای رشته زبان و ادبیات فارسی تبیین نشده است) مهم‌ترین راهبردهای توسعه حوزه زبان و ادبیات فارسی عبارت‌اند از:
- متناسب نمودن گرایش‌های تخصصی رشته زبان و ادبیات فارسی در سطوح مختلف تحصیلات بر اساس نیازهای جامعه و سطح علمی فراگیران؛
 - کاربردی نمودن آموزش رشته زبان و ادبیات فارسی در سطوح مختلف؛
 - هدف‌گذاری گسترش رشته‌های مختلف رشته زبان و ادبیات فارسی بر اساس اولویت‌ها و نیازهای سایر رشته‌های علمی مورد نیاز جامعه؛
 - راه‌اندازی پایگاه اطلاعاتی (آسنادی و الکترونیکی) در رشته زبان و ادبیات فارسی؛
 - هدایت تحقیقات و پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی در جهت توسعه علمی و اجتماعی - اقتصادی کشور؛
 - تأسیس مجلات تخصصی و علمی - پژوهشی در حوزه رشته زبان و ادبیات فارسی؛
 - بازنگری و اصلاح ساختار برنامه درسی و جهت‌دهی فرهنگی؛
 - اعمال تغییرات مناسب و متناسب در برنامه‌های درسی، با توجه به تحولات در سایر حوزه‌های علمی؛
 - شناسایی مؤلفه‌ها و زیرمؤلفه‌های هویت دینی و ملی و انعکاس آنها در گزینش و تألیف محتوا؛
 - تقویت روحیه اعتماد به نفس و عزت و غرور ملی در متون آموزشی؛

منابع

- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶)؛ *زبان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگاه.
- حبیبی، حسن (۱۳۸۵)؛ *مبختی در سیاست علمی کشور و جایگاه فرهنگستان‌ها*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- *خبرنامه کنگره ملی علوم انسانی* (۱۳۸۵)؛ «گزارش علمی سلسله نشست‌های زبان و ادبیات فارسی»، ش ۴، صص ۲۳-۲۶.
- خدایار، ابراهیم [به کوشش] (۱۳۸۷)؛ *رخسار اندیشه: مجموعه مقالات دومین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، تهران: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی.
- دانشگر، محمد [به کوشش] (۱۳۸۰)؛ *مجموعه مقالات نخستین گردهمایی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، تهران: مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی.
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۶)؛ «سیاست پنهان زبان در مقابل سیاست آشکار آن»، *نامه فرهنگستان*، دوره ۹، ش ۱، بهار، شماره پیاپی ۳۳، صص ۱۸۵-۱۵۸.
- دبیرخانه شورای پژوهش‌های علمی کشور (۱۳۷۹)؛ *اولویت‌های تحقیقاتی کشور*.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷ الف)؛ «الگوهای غیرمعیار در زبان مطبوعات»، *فصلنامه مطالعات ملی*، س ۹، ش ۱، صص ۲۷-۳.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۷ ب)؛ *برنامه درسی رشته ادبیات عامه*، به سفارش پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی وزارت علوم و فناوری.
- ذوالفقاری، حسن [به کوشش] (۱۳۷۵)؛ *در قلمرو آموزش زبان و ادبیات فارسی: مجموعه مقالات نخستین مجمع علمی دبیران*، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش.
- ذوالفقاری، حسن [به کوشش] (۱۳۸۴)؛ *سریر سخن: مجموعه مقالات دومین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*، مرکز تحقیقات زبان و ادبیات فارسی.
- رضی، احمد (۱۳۷۶)؛ «آسیب‌شناسی پژوهش‌های ادبی در ایران»، *رخسار سخن: مجموعه مقالات سومین همایش پژوهش‌های ادبی*، تهران.
- رضی، احمد (۱۳۸۶)؛ «روش در تحقیقات ادبی ایران»، *گوهر گویا*، س ۱، ش ۱، بهار، صص ۱۴۱-۱۲۸.
- سارثر، ژان پل (۱۳۴۰)؛ *ادبیات چیست؟*، ترجمه ابوالحسن نجفی، تهران: کتاب زمان.
- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۴)؛ «گزیده‌نویسی؛ بایست‌ها و نبایدها»، گزارش سخنرانی در پژوهشگاه علوم انسانی، *خبرنامه کنگره ملی علوم انسانی*.
- غلامی‌نژاد، محمد و علی احسان قبول (۱۳۸۶)؛ «آسیب‌شناسی پایان‌نامه‌های زبان و ادبیات فارسی»، *گوهر گویا*، س ۱، ش ۱، بهار، صص ۱۹۲-۱۸۱.
- فالک، جولیا (۱۳۷۳)؛ *زبان‌شناسی و زبان*، ترجمه خسرو غلامعلی‌زاده، مشهد: آستان قدس رضوی.
- کوذر، لوئیس (۱۳۸۳)؛ زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گزارشی از وضعیت زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه‌ها با نقطه‌نظرات ۸۰ شاعر، نویسنده و استاد (۱۳۸۶)؛ [available: <http://www.atiban.com/article.aspx?ID=69>](http://www.atiban.com/article.aspx?ID=69).
- ملکان، مجید (۱۳۶۵)؛ «مشکلات زبان فارسی به‌عنوان زبان علم»، *مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی، زبان علم*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مهرپویا، جمشید (۱۳۷۶)؛ «ضرورت تدوین برنامه‌های ملی برای حمایت از انجمن‌های ادبی»، *دانشگاه انقلاب*، بهار، ش ۱۰۸ و ۱۰۹، صص ۶۶-۶۱.
- میرحیدر، دره (۱۳۷۵)؛ *مبانی جغرافیای سیاسی*، چاپ چهارم، تهران: سمت.
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۸۷)؛ اداره کل مطالعات و برنامه‌ها، اداره آمار.

